

۸- مستثنی

تعریف

هو لفظٌ يُذكر بعد إلاً و أخواتها ليعلم أنه لا ينسب إليه ما ينسب إلى ما قبلها

اقسام آن

متصل

مستثنایی که به وسیله إلاً و اخوات آن از میان افراد بسیاری خارج می شود.

جائتی القوم إلاً زیداً

منقطع

مستثنایی که بعد از إلاً و اخوات آن ذکر شود ولی از میان افراد بسیاری خارج نشده باشد به دلیل عدم دخول آن در مستثنی منه.

جائتی القوم إلاً حاراً

اعراب آن

نصب

موارد آن

مستثنی بعد از إلاً در کلام تام موجب بیاید.

جائتی القوم إلاً زیداً

کلامی که نفی یا نهی یا استفهام نباشد.

در مستثنی منقطع

در صورتی که مستثنی بر مستثنی منه مقدم باشد.

ما جائتی إلاً أخاک أحد

مستثنی بعد از عدا و خلا یا ماخلا و ماعدا و لیس و لایکون بیاید.

جائتی القوم ماخلاً زیداً

جواز نصب و اعراب قبل از إلاً

مورد آن

هنگامی که مستثنی بعد از إلاً در کلام غیرموجب بیاید و مستثنی منه مذکور باشد.

ما جائتی أحد

إلاً زیداً

اعراب به حسب عوامل

مورد آن

در استثنای مُفْرَع (مستثنی بعد از إلاً در کلام غیرموجب بیاید و مستثنی منه مذکور نباشد)

ما جائتی إلاً زید

إلاً زید

ما رأیت إلاً زیداً

جر

مورد آن

مستثنی بعد از (سوی) و (حاشا) بیاید.

جائتی القوم

غیر زید

سوی زید

حاشا زید

نکته ۱: اعراب (غیر) مانند اعراب مستثنی به إلاً است.

جائتی القوم غیر زید

ما جائتی أحد غیر زید

ما رأیت غیر زید

نکته ۲: لفظ (غیر) برای صفت وضع شده و گاهی در استثنا استعمال می شود همانگونه که (إلاً) برای استثنا وضع شده و گاهی در صفت به کار می رود.

لَو كَانَ فِيهَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَنَسَفْتَنَهَا (أى: غيرُ الله)